روی خط مد

هفته‌های مد اروپا آنلاین شد اما جشنواره مد و لباس حضوری

● **شرق:** درحالی‌که تمام هفته‌های مد در شهرهای پاریس، میلان و شانگهای به‌صورت آنلاین برگزار شده و در یک سال اخیر، هیچ رویداد مد در صنعت فشن به‌صورت واقعی و فیزیکی برگزار نشده است، بنیاد ملی مد و لباس کشور که متولی امر مد در ایران است، در حرکتی پرریسک، دهمین جشنواره مد و لباس فجر را به‌صورت فیزیکی و حضوری در بوستان گفت‌وگو برگزار می‌کند. این تصمیم در حالی اتخاذ شده است که تور مجازی کاشان‌گردی به‌دلیل محدودیت‌های سفر که حاصل از پاندمی کروناست، توسط بنیاد ملی مد و لباس، طراحی شده و در درگاه‌های ویژه در دسترس شرکت‌کنندگان این دوره قرار گرفته است. شوربختانه تا این لحظه، پیگیری‌های «شرق» برای جویاشدن چرایی این تصمیم از دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس کشور بی‌پاسخ مانده است. درباره علل و چرایی برگزاری حضوری جشنواره دهم، ابهامات زیادی وجود دارد، آن‌هم در شرایطی که کشور وارد موج خطرآفرین ویروس جهش‌یافته کرونا قرار شده و رویکرد تمام دنیا به برگزاری آنلاین رویدادهای مد و فشن است نه حضوری. دهمین جشنواره مد و لباس فجر قرار است از ۲۵ بهمن تا یکم اسفند در بوستان گفت‌وگو به‌صورت حضوری برگزار شود.

کاشان پایگاه هدف گردشگری مجازی برای جشنواره مد و لباس

● پاندمی کرونا دامن مد و لباس را هم گرفت. متولیان برگزاری دهمین جشنواره مد و لباس فجر، با هدف سفر و قرارگیری طراحان در بافت شهر کاشان که موضوع امسال جشنواره است و ایجاد فرصت‌های الهام‌گیری طراحان از ابنیه و اکوسیستم منطقه، ایده گردشگری مجازی را راه‌اندازی کردند. سال نخست، مکران سیستان‌وبلوچستان، سال دوم گلستان و امسال کاشان موضوع محوری دهمین جشنواره مد و لباس فجر است. به گزارش هنرآنلاین، به دلیل محدودیت سفر که سوغات پاندمی کروناست، مسئولان طرح گردشگری مجازی را برای در دسترس قراردادن بافت کاشان دنبال کرده و تور مجازی کاشان و بازدید سه‌بعدی از منطقه را با استفاده از عکس‌های پانوراما (۳۶۰درجه) در درگاه‌های اعلامی در دسترس طراحان و شرکت‌کنندگان قرار داده‌اند. طراحان با حضور در تور مجازی کاشان می‌توانند به قابلیت‌ها و بافت کاشان دسترسی پیدا کنند و ایده بگیرند.

پاک‌بین دبیر دهمین جشنواره بین‌المللی مد و لباس فجر شد

● سیدمحمدمجتبی حسینی، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در حکمی، صدیقه پاک‌بین را به سمت دبیری دهمین جشنواره بین‌المللی مد و لباس فجر منصوب کرد. در این حکم آمده است: «بنا به پیشنهاد دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس کشور و رئیس دهمین جشنواره بین‌المللی مد و لباس فجر و همچنین با توجه به سوابق و تجربیات ارزشمند سرکار عالی، به موجب این حکم، به‌عنوان دبیر دهمین جشنواره بین‌المللی مد و لباس فجر منصوب می‌شوید». به گزارش روابط عمومی بنیاد ملی مد و لباس کشور، صدیقه پاک‌بین، طراح لباس و پژوهشگر لباس اقوام، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س) است و سابقه دبیری چندین جشنواره مد و لباس فجر را در کارنامه خود دارد. همچنین در کارنامه کاری او، تألیف کتاب‌های «اصول طراحی لباس»، «طراحی الگو»، «ترجمه و تدوین سایزبندی پوشاک بانوان» و انجام پژوهش‌هایی مانند لباس آتش‌نشانان وزارت کشور، لباس بسیج دانش‌آموزی در ایران، لباس دانش‌آموختگان برای وزارت علوم، لباس دانش‌آموختگان برای دانشگاه شهید بهشتی، لباس سازمان بحران‌های شهری دیده می‌شود.

نشان درجه‌یک هنری به فرزانه کابلی اهدا شد

اختصاصی شرق: فرزانه کابلی، بازیگر تئاتر و تلویزیون، مفتخر به دریافت نشان درجه‌یک هنری شده است. نشان درجه‌یک هنری معادل دکترای حرفه‌ای است و به پاس یک عمر فعالیت خلاقانه هنری روز جمعه دهم بهمن‌ماه در مراسمی خصوصی به خانم فرزانه کابلی اهدا شده است.

این نشان از نشان‌های افتخار در ایران است که توسط رئیس‌جمهور ایران به چهره‌های صاحب‌نام و خالق در عرصه‌های فرهنگ و هنر اهدا می‌شود. براساس ماده ۱۷ آیین‌نامه اعطای نشان‌های دولتی، نشان «فرهنگ و هنر» به کسانی اعطا می‌شود که فکر، ذوق و احساس خود را در راه بیان مفاهیم ارزشمند اسلامی- انسانی و اشاعه فرهنگ در یکی از جهات زیر به کار می‌گیرند: اشاعه فرهنگ غنی اسلامی و پیرایش جامعه از فرهنگ منحط بیگانه؛ گسترش مبانی نظری و استدلالی معارف مذهبی؛ گسترش فرهنگ ملی و احیای سنت‌های ارزشمند اجتماعی؛ ابراز خلاقیت و عرضه آثار بدیع هنری یا ادبی؛ بذل توجه خاص به میراث‌های فرهنگی، هنری یا ادبی کشور، به گونه‌ای که در احیا،

نگهداری و بهره‌برداری آن مؤثر باشد؛ معرفی، شرح، تبیین، نقد و عرضه یکی از رشته‌های هنری یا ادبی در سطوح بین‌المللی؛ ابداع سبکی نو در یکی از رشته‌های هنری یا ادبی؛ ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه؛ خلق آثار فرهنگی هنری شاخص و ارزشمند در جهت انتقال آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به نسل‌های بعد.

کابلی در هنرستان ملی فولکلور ایران تحصیل کرده و علاوه بر طراحی حرکات موزون برای نمایش‌های گوناگون، حرکات موزون محلی و سنتی ایرانی چون «تربت جام»، «کردی»، «بجنوردی»، «کهگیلویه و بویراحمد»، «آذری»، «بلوچی»، «ترکمن»، «گیلانی»، «مازندرانی»، «شوشتری» و همچنین حرکات کلاسیکی چون «هفت‌پیکر» «نظامی»، «چهل‌ستون» و «ضرب و زنگوله» را اجرا کرده است. کابلی متولد ۱۳۲۸ در تهران است. پدر و مادرش هر دو نوازنده بودند. قریحه او از کودکی شکل گرفت و بعدها در مدرسه هنرهای زیبا تکامل یافت.

گفت‌وگو با «احسان حامی‌فرد» و «آذر محمدی» نخستین پزشکان پیکرتراشی سرپایی بدون بی‌هوشی

مسیر آینده پیکرتراشی

ستاره جاوید

پیکرتراشی مانند جراحی زیبایی بینی و سایر تکنیک‌های زیباسازی چراغ‌خاموش و ماساژ با مرز هنجارها، به ترند روز زیباسازی و کاهش سایز در دنیای آفلاین و دنیای واقعی تبدیل شده است. از زمانی که لیپوساکشن (Liposuction) به‌عنوان رایج‌ترین روش چربی‌کشی و کاهش سایز در میان بانوان و آقایان باب شد، آمار مراجعه‌کنندگان برای زیباسازی سریع (نسبت به ورزش و رژیم‌های غذایی) و روی فرم بودن اندام خود، به‌صورت صعودی بالا رفت به‌طوری‌که دست‌کم در یک دهه اخیر، رکورد ایران در آمار جراحی‌های زیبایی در دنیا زده شد و ایران به مقام اول رسید. امروز هیچ کشوری به اندازه ایران، از نظر آمار جراحی‌های بینی و جراحی‌های لیپوساکشن، غنی نیست و با اینکه همه این تکنیک‌ها و جراحی‌ها به صورت چراغ‌خاموش و در سکوت خبری انجام می‌شود، تا پیش از پاندمی کرونا، ایران یکی از پایگاه‌های ارزان و هدف گردشگری برای گردشگری سلامت (Medical Tourism) محسوب می‌شد و بودند توریست‌هایی که برای جراحی زیبایی پا به ایران گذاشته‌اند. با وجود پاندمی، شاید آمار حضور خارجیان برای جراحی‌های زیبایی کاهش یافت اما اقبال و گرایش ایرانیان به خصوص بانوان برای انجام عمل‌های ساکشن و کشیدن چربی‌های زائد بدن‌شان با هدف سلامت یا کاهش سایز، دست‌نخورده باقی ماند و همچنان در صدر آمار جراحی‌های کشور در یک سال اخیر بوده است. آنچه بر اهمیت این گرایش مردمی می‌افزاید تلاش و تمایل مراجعه‌کنندگان و آمادگی آنان برای ساکشن با تکنیک‌های نوین است. یکی از این تکنیک‌ها که به دلیل مقاومت جامعه پزشکان در ایران مهجور مانده اما از سوی مردم مورد اقبال قرار گرفته و فقط توسط یک تیم پزشکی در ایران به‌صورت حرفه‌ای و به مدت هفت سال است که دنبال می‌شود تکنیک «پیکرتراشی سرپایی» (Outpatient Liposuction) (پیکرتراشی با بی‌حسی موضعی، بدون بی‌هوشی) است که برای اولین بار در ایران پیاده شده است. دکتر «احسان حامی‌فرد»، پزشک و متخصص زیبایی، دانش‌آموخته تکنیک پیکرتراشی سرپایی (بدون بی‌هوشی) در محضر پروفسور «لورنس فیلد» (Lawrence M. Field) و دکتر «آذر محمدی»، پزشک، متخصص زیبایی، مشاور لیپوماتیک و پیکرتراشی و دانش‌آموخته تکنیک پیکرتراشی سرپایی در محضر پروفسور لورنس فیلد، از بنیان‌گذاران این تکنیک در آمریکا به سؤالات «شرق» پاسخ داده‌اند. دوره‌های بازآموزی پروفسور فیلد در دوبی (امارات متحده عربی)، شانگهای (چین)، بنگلور (هند)، پاریس (فرانسه)، اسپانیا، ایتالیا و ژنو (سوئیس) پذیرای پزشکان و متخصصان از سراسر جهان تا پیش از شیوع کووید ۱۹ و این تیم پزشکی از ایران بوده است. مزیت‌ها و حتی چالش‌های کمترتهاجمی این تکنیک با وجود تنهاماندن و مهجورافتادنش در جامعه پزشکان، چه بوده است که خیل کثیری از بانوان و حتی آقایان ایرانی ترجیح داده‌اند از این تکنیک نوین به‌جای تکنیک‌های قدیمی لیپوساکشن که امتحان خود را پس داده‌اند و با بی‌هوشی یا خواب مصنوعی همراه هستند و عوارض زیادی دارند، برای کاهش سایز یا کشیدن چربی‌های اضافه بدن‌شان استفاده کنند؟ بیش از هزار نفر (حدود هزارو ۵۰۰ نفر) زن و مرد با انگیزه‌های متعدد زیبایی، حفظ ازدواج‌شان و نزدیک‌کردن پیکر خود به ایدئال همسر، سلامت یا کاهش سایز به این دو پزشک مراجعه کرده و از تکنیک پیکرتراشی سرپایی بهره برده‌اند. دکتر محمدی و دکتر حامی‌فرد معتقد هستند که با وجود عدم اقبال پزشکان به این تکنیک، تمایل بالای مردم و بانوان جوان به این تکنیک، آن را فراگیر خواهد کرد حتی اگر از سوی جامعه پزشکان منزوی شود.

چه شد این تکنیک را انتخاب کردید و آموختید؟

یکی از دلایل اصلی ما برای انتخاب این تکنیک، مسئله مهم بی‌هوشی است. در این تکنیک بیمار بی‌هوش نمی‌شود و ناحیه‌ای که قرار است ساکشن شود به صورت موضعی، بی‌حس می‌شود. خوبی‌های این تکنیک در دوران نقاهت کوتاه‌تر، عوارض کمتر و سرپایی‌بودن عمل است. بیمار در این تکنیک نیاز به بستری‌شدن و ماندن در بیمارستان ندارد و بلافاصله بعد از عمل می‌تواند به منزل برود و روز بعد هم به روال عادی زندگی، سر کار باشد و فعالیت‌های خود را از سر گیرد. از نظر هزینه‌های عمل هم برای فرد مقرون به صرفه‌تر است. برای پزشک هم این امکان را به وجود می‌آورد که در محیطی غیر از بیمارستان، جراحی را انجام دهد. زیرا تکنیک سرپایی، نیاز به اقدامات بیمارستانی ندارد و در یک کلینیک هم می‌توان جراحی را انجام داد. دست پزشک در این تکنیک باز است و ابتکار عمل بالاتر و بیشتری دارد.

چرا این تکنیک در ایران تنها مانده است؟

یکی از مهم‌ترین علت‌های آن به‌هوش‌بودن بیمار است. بیمار در این تکنیک بسیاری از مراحل جراحی را می‌بیند و استرس زیادی دارد. از سوی دیگر جراح هم که مشغول انجام این عمل است با سختی و مشقت بیشتری این کار را ادامه می‌دهد چون بیمار در حال رصد اوست به همین دلایل این تکنیک نیازمند کار تیمی قوی، صبر و شکیبایی بالای تیم پزشکی و همراهی تیم است. متأسفانه از آنجا که کار تیمی در ایران ضعیف است و بیشتر ایرانیان روحیه کار گروهی ندارند، به همین دلیل این تکنیک در ایران تنها مانده است و به جز تیم ما، تیم دیگری در ایران این تکنیک را دنبال نمی‌کند. چون «تیم» در موفقیت این تکنیک حرف اول را می‌زند. علاوه بر انجام جراحی، این وظیفه تیم پزشکی است که به صورت مداوم چه قبل، چه حین و چه بعد از عمل بیمار را از نظر روانی پشتیبانی و کمک کند که استرس‌های او حین انجام جراحی به حداقل برسد. نبود کار تیمی قوی، سبب شده که این تکنیک از سوی سایر جامعه پزشکی چندان مورد استقبال قرار نگیرد زیرا تیم همراه و قوی، در کنار آنان حضور ندارد. مهم‌ترین علت ماندن و بقای ما در این تکنیک، تیم خوبی است که کنار ماست.

مزیت‌های این تکنیک نسبت به روش‌های قدیمی لیپوساکشن و بیشتر تهاجمی چیست؟

در این تکنیک بیمار بیدار و هوشیار است و داروی بسیار کمتری در مقایسه با تکنیک‌های قدیمی‌تر دریافت می‌کند. در نتیجه سریع‌تر و راحت‌تر به زندگی روزمره بازمی‌گردد و سلامت بیمار، بیشتر مورد توجه است. عوارض کمتر، دوران نقاهت کوتاه‌تر و هزینه کمتر برای بیمار از محاسن این تکنیک است. ضمن اینکه بسیاری افراد از بی‌هوش و روش‌های قدیمی می‌ترسند و استرس زیادی دارند که بی‌هوش شوند و دیگر نتوانند به زندگی عادی بازگردند. به همین دلیل این تکنیک را انتخاب می‌کنند. از سوی دیگر پیکرتراشی نواحی‌ای مثل بازو و ران که نیاز به قرینه‌سازی دارند با این تکنیک به نتایج بهتر و مطلوب‌تری می‌رسند زیرا بیمار بیدار است، همکاری بیشتری در مقایسه با بیمار بی‌هوش با پزشک دارد و در بسیاری مواقع در حالت ایستاده، قرار گرفته و پزشک هم تسلط بیشتری به بافت چربی و فرایند جراحی دارد. این محاسن سبب شده این تکنیک متفاوت‌تر از روش‌های قدیمی باشد.

علت مقاومت کادر پزشکی برای جاانداختن این تکنیک چیست؟

پزشکان با روش‌های قدیمی ساکشن راحت‌تر هستند زیرا بیمار بی‌هوش است. در حالی که این تکنیک نیاز به ساپورت روانی و عاطفی بیمار به خصوص در روند جراحی دارد و این امر مهم، از عهده کادر پزشکی که به روش‌های قدیمی خو کرده، خارج است. به عبارت دیگر برای همکاران، کار با فرد بی‌هوش راحت‌تر است، روش‌های قدیمی درآمد بیشتری برای پزشک و بیمارستان به همراه دارد.

در این سال‌ها که این تکنیک را پیاده کردید، با چه چالش‌هایی مواجه شدید؟

اول انتخاب تیم مناسب، دوم مدیریت ترس بیماران از اینکه بی‌هوش نیستند. سوم محدودیت این تکنیک که برای همه افراد امکان‌پذیر نیست. چهارم مقاومت بسیاری از همکاران برای انجام تکنیک سرپایی به همان دلایلی که در بالا گفتیم.

> پزشکان متعددی در نسل جدید به ما مراجعه کردند و علاقه‌مند به یادگیری این تکنیک هستند. ما باور داریم در عصر امروز و دنیای مدرن که سبک زندگی متفاوت شده و جراحی‌های با تهاجم بیشتر، کم کم کنار گذاشته می‌شود و علم پزشکی زیبایی می‌کوشد به سمت تهاجم کمتر و عارضه کمتر حرکت کند، این تکنیک هم در ایران، جای خود را باز خواهد کرد. این اقبال را هم در بیماران‌مان می‌بینیم و هم در هم‌صنفی‌های خود

دقیقا این تکنیک چه کمکی به بهبود زندگی فرد می‌کند؟

قطعا مصرف داروی کمتر و سرپایی‌بودن و بی‌هوش‌نبودن علاوه بر اینکه عوارض کمتری دارد. از نظر اقتصاد پزشکی هم، برای بیمار مقرون به صرفه‌تر است.

علاوه بر جنبه‌های زیبایی و پزشکی، جنبه‌های اقتصادی این تکنیک چیست؟

هزینه کمتری برای بیمار دارد ضمن اینکه درآمد کمتری هم عاید پزشک می‌شود. ما همیشه سعی کردیم که طبابت ما بر تجارت اولویت داشته باشد. به همین دلیل در تمام این سال‌ها تأکید ما به سلامت بیمار بیشتر بوده است. ما به این باور رسیدیم که این تکنیک در قیاس با تکنیک‌های قدیمی، سالم‌تر و کم‌عارضه‌تر است. از نظر اقتصادی این تکنیک در قیاس با تکنیک‌های قدیمی درآمد کمتری برای تیم پزشکی ایجاد می‌کند.

چه شد توانستید این تکنیک را در ایران بنیان‌گذاری کنید؟

بیماران را توجیه کردیم که سلامت شما در کنار زیبایی مهم‌تر است و از آنجا که این تکنیک کم‌خطرتر و کم‌هزینه‌تر هست، در مقایسه با تکنیک‌های قبلی پیکرتراشی، بهتر و سالم‌تر است. از سوی دیگر بسیاری از بیماران که از بی‌هوشی می‌ترسیدند یا اجازه پزشکی برای بیهوش‌شدن را نداشتند، با این تکنیک توانستند امید تازه‌ای در زندگی بیابند و با پیکرتراشی جزئی تغییرات محسوسی از نظر عاطفی یا روانی روی زندگی فردی یا زناشویی‌شان ایجاد شد. ما وقتی فیدبک‌ها و بازخوردها را از بیماران خود گرفتیم برای ماندن بر اصول و تکنیک خود مصمم‌تر شدیم. حسن حرفه‌ای این تکنیک هم، همان‌طورکه قبلا ذکر کردیم ابتکار عمل و اختیار عمل بالای پزشک برای انجام جراحی در این تکنیک است و بدون نیاز به تجهیزات گران و پردردسر بیمارستانی، در یک کلینیک هم می‌توان بیمار را مداوا کرد. در این هفت سالی که ما این تکنیک را در ایران انجام دادیم، بالغ بر هزار کیس (نزدیک به ۱۵۰۰ تن) را جراحی کردیم و توجیه‌شان کردیم که این روش سالم‌تر و کم‌خطرتر است. همراهی و باور بیماران هم، انگیزه‌های ما برای ماندن را بیشتر تقویت کرده است. مهم‌ترین نکته در مورد عوارض جراحی‌های زیبایی لیپوساکشن، ریسک آمبولی است که در تکنیک‌های دیگر پیکرتراشی که با بی‌هوشی همراه است، شایع است. اما در این تکنیک ریسک آمبولی وجود ندارد. آمبولی یا آمبولوز (Embolus) به معنای واردشدن یک توده خارجی به درون جریان خون است که با ورود به ارگان‌های بدن سبب مشکلات متفاوتی می‌شود.

بیشتر چه کسانی از این تکنیک استقبال کردند؟

کارمندان. یکی از مهم‌ترین فواید این تکنیک این است که فرد به زودی به زندگی عادی بازمی‌گردد و بستری نمی‌شود. کارمندان بسیاری به ما مراجعه کردند و جراحی شدند زیرا می‌توانستند با یک یا دو روز استراحت به سر کار برگردند. همچنین افرادی که از شهرستان‌های دیگر به تهران می‌آیند این تکنیک را می‌پسندند زیرا نیاز نیست زمان طولانی در تهران بمانند و زیر نظر پزشکی باشند. تا پیش از شیوع کرونا، بیمارانی هم از خارج از کشور داشتیم که فقط به دلیل نقاهت کوتاه، این تکنیک را انتخاب کردند. چراکه برای سفری یک‌هفته‌ای یا دوهفته‌ای به ایران می‌آمدند و بعد از جراحی و یکی، دو روز استراحت می‌توانستند از تایم سفر خود برای گردش و بازدید از ایران استفاده کنند. ما به این باور رسیدیم که این تکنیک می‌تواند با توسعه توریسم سلامت، ارزآوری مناسب و مطلوبی برای کشور داشته باشد. گروه سوم بیماران ما بانوانی هستند که شاغل نیستند اما فرزندان کم‌سن دارند و نمی‌توانند تایم طولانی استراحت کنند. بسیاری از مراجعان هم ورزشکارانی هستند که نیاز به تخلیه چربی زیادی ندارند و با این تکنیک، بدون بی‌هوشی و کاملا سرپایی، توانستند آن ناحیه کوچک که نیاز به تخلیه دارد، پیکرتراشی کنند و زیر بار عوارض بعد از بی‌هوشی نمی‌رفتند و به دنبال تکنیک‌های بهتر بودند و خودشان ما را پیدا کردند.

آینده این تکنیک را در ایران چطور می‌بینید؟ آیا مقاومت‌ها بیشتر خواهد شد یا همراهی‌ها؟

پزشکان متعددی در نسل جدید به ما مراجعه کردند و علاقه‌مند به یادگیری این تکنیک هستند. ما باور داریم در عصر امروز و دنیای مدرن که سبک زندگی متفاوت شده و جراحی‌های با تهاجم بیشتر، کم کم کنار گذاشته می‌شود و علم پزشکی زیبایی می‌کوشد به سمت تهاجم کمتر و عارضه کمتر حرکت کند، این تکنیک هم در ایران، جای خود را باز خواهد کرد. این اقبال را هم در بیماران‌مان می‌بینیم و هم در هم‌صنفی‌های خود که نسل جدیدی از پزشکان هستند و نگرش متفاوت و نوینی به دنیای زیبایی و جراحی دارند. در کنار گرایش نسل نوی جامعه پزشکان، مردم هستند که با انتخاب‌شان آینده این تکنیک را در ایران رقم خواهند زد نه پزشکان.

نگاه روز

کرونا و سبک زندگی کافه‌ای

سروش نژادآذر

● برای کسانی که کافه‌باز هستند و شادی و غم خودشان را در کافه پیدا می‌کنند، وقتی خوشحال هستند خودشان را به یک فنجان قهوه میهمان می‌کنند و زمانی هم که در اندوه و ناراحتی و تنهایی غرق هستند به دامان کافه‌ها پناه می‌برند، کرونا یک کابوس وحشتناک و فراموش‌ناشدنی است. کافه‌های تهران که مستقیم از سبک زندگی این مردم هزارلایه، نشئت می‌گیرد، بیشترین آسیب فرهنگی و حتی اقتصادی را از اپیدمی کرونا متحمل شده‌اند. چه برای کسانی که در صنف کافه‌داری کارآفرینی کرده‌اند و چه برای تمام کافه‌دوستان و کافه‌نشینانی که شب‌های بلند و طولانی تهران را از شلوغی و ازدحام شهر، به گوشه خلوت و دنج پناه می‌بردند، بازشدن کافه‌ها هرچند به‌صورت محدود، نعمتی گران و نایاب بود. درست زمانی که فکر می‌کردیم بر تمام احساسات خود سوار هستیم و تجارت هنر را در چنته گرفته‌ایم، یک موجود میکروسکوپی ناشناس آمد و همه‌چیز را ویران کرد و با خود برد. نمی‌توان انکار کرد که کافه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و حتی سفره‌خانه‌ها که دیرزمانی صدای خنده‌ها و نشاط مردم را در حافظه خود ثبت کرده بود، چگونه در انزوایی تاریک و ترسناک و بی‌درآمدی فرورفتند.

اکنون که بیش از یک سال از این انزوای تحمیلی گذشته، بسیاری از کافه‌داران و خالقان سبک زندگی کم‌تجمل و آرامش‌بخش، ورشکست شده و عطای فعالیت اقتصادی خود را به لقای کرونا بخشیده‌اند و آهسته و پیوسته این اجازه صادر شده است که کافه‌داران بتوانند دستی بر محیط خود بکشند و تا آغازین ساعت شبانه فعالیت کنند، بارقه امیدی به دیدگان تمام شاغلان صنعت و کارآفرینان تابیده شده است. اکنون که کرونا جز سایه‌ای مخوف، چیزی برای گرفتن ندارد و تأثیر مخرب خود را از دست داده، فرصت مغتنمی است که پیش از بازگشتن جدول زمانی طولانی‌مدت کافه‌داری (تا ۱۲ شب) کمی با خویشتن خویش خلوت کنیم و بدون تعارف ببینیم ایجاد چه تغییری در زندگی ما بیش از سایر انتخابات و تصمیمات، می‌تواند کیفیت زندگی خودمان و اطرافیانمان را بالا ببرد؟ عناصر اصلی در رابطه‌های دوستانه چیستند و چه چیزهایی در زندگی شما وجود دارد که راضی‌تان نمی‌کند؟ از دنیای هنر، از سبک زندگی‌ای که خود را در آن غرق کرده‌اید، چه می‌خواهید؟ چه میزان از وقت باب‌های زندگی خود را با انسان‌هایی می‌گذرانید که الهام‌بخش هستند و انگیزه‌های شما را به بالابردن چگالی بودنتان تقویت می‌کنند؟ این چگالی را در کدام نقطه از این سرزمین پهناور فرهنگ، مد، هنر، سبک زندگی و طراحی، خرج خواهید کرد؟ به باور من، یک بار برای همیشه، خالقان مد و طراحان سبک زندگی که نگاهی فرهنگی به مقوله مد و هنر و طراحی و سبک زندگی دارند، تصمیم بگیرند که تمایل دارند در کجای این جغرافیا بایستند و تا چه میزان برای آرمان خود هزینه کنند؟ کرونا علاوه بر تلخی‌ها و انزوایی که برای صنف هنر به‌خصوص مقوله مد که تازه داشت در کشور ریشه می‌دواند به بار آورد، خوبی‌ها و نیکی‌هایی هم داشت.

ما در این پاندمی توانستیم عیار بسیاری چیزها و کسان را بفهمیم، حتی عیار خودمان را. ما در این تنهایی تلخ تحمیلی دانستیم که چقدر به زندگی دل بسته‌ایم و چقدر زندگی را ارج می‌نهیم. سایه سنگین و منحوس کرونا سبب شد که بسیاری از دروازه‌های کشور برای ورود هنرهای بین‌المللی به کشور چه در فجر ۹۸ و چه در فجر ۹۹ بسته شود اما دنیای مجازی، گوشه بسیار حقیر و ناچیزی از زیبایی‌های دنیای واقعی را برای ما ترسیم کرد. در خبرها می‌خواندم که بخش بین‌الملل تئاتر فجر امسال مدعوی ندارد و فقط بخش داخلی با ۳۰ درصد ظرفیت سالن‌های نمایش، فعالیت‌های خود را دنبال کرده است. اما جشنواره مد و لباس فجر در اقدامی مبهم به‌صورت حضوری در پارک گفت‌وگو پذیرای مردم خواهد بود. در شرایطی که هنوز خطر موج سوم و چهارم مجامع و گروه‌ها را تهدید می‌کند، بهتر بود فعالان این حوزه از ظرفیت‌های دنیای مجازی برای نمایش و معرفی قابلیت‌های این امر استفاده می‌کردند و خیل عظیمی از مردم به‌ویژه بانوان را که به مسئله مد گرایش دارند، در ریسک و خطر این دورهمی دولتی قرار نمی‌دادند. مگر نه این است که ما از کرونا آموختیم درباره مسئله مهمی مثل «سبک زندگی» حساسیت نشان دهیم و از خودمان سؤالات بیشتری بپرسیم! پس باید برای یافتن پاسخ هم تعجیل نکنیم و صبوری پیشه کنیم ببینیم سرانجام این کرونا به کجا خواهد انجامید؟ ما نسبت به نیازهای طبیعی هر انسان در رابطه با امنیت، ارزش‌قائل‌شدن برای عزیزان، آموختیم و فردیتمان در این پاندمی تقویت شد؛ اما از همین کرونا آموختیم که به دیگران عشق بورزیم و عشقمان را نه به شیوه‌های مرسوم ازمدافتاده بلکه به شیوه جدید ابراز کنیم. شیوه جدید دوری‌گزیدن از زندگی ماشینی و قدر یکدیگر را دانستن و دیگرخواهی به جای خودخواهی بود. به‌همین‌دلیل آموزه‌های کرونا در کنج ذهن هر خالقی رسوب کرده و سبب شده از خود بپرسد دور هم گردآوردن مردم برای هر رویدادی - چه هنری چه سیاسی - چه میزان مماس با پروتکل‌های بهداشتی و عشق‌ورزی به شیوه نوین در روزگار کروناست؟ برگزاری حضوری جشنواره بین‌المللی مد و لباس چندان عاشقانه و مردم‌مدار به نظر نمی‌رسد. بنیاد ملی مد و لباس باید این کافه‌ای را که گشوده و شیوع بیشتر را تعارف می‌کند، ببندد و چاره دیگری بیندیشد. قضاوت با شما!